

### متن پرسش

سلام استاد: خدا قوت به فضل خدا سه سال است محضر مبارکتون در سیر مطالعاتی قرار دارم، هم اکنون مشغول به صوت های تفسیر و خطبه ۳۱ نهج البلاغه هستم. از طرفی در کارخانه مواد غذایی مسئولیت نظارتی (رئیس کنترل کیفیت) دارم و از طرفی مشغول به ادامه تحصیل (ارشد) در رشته مرتبط با شغلم هستم. اتفاقات و امور کاری و تحصیلی خیلی خیالم را به خود مشغول می‌کند، با اینکه بارها کتاب «ادب خیال، عقل و قلب» را خواندم اما از عدم تمرکز در نماز و مشغول بودن خیال واقعا آزرده ام و می‌خواهم محبتی کنید و راهی را برای خروج از این حال ارائه بفرمایید که در عین خدمت در جهت اقتصاد کشور، حال معنوی ام را نیز حفظ و تمرکز در عبادت را نیز داشته باشم. توفیق مداحی اهل بیت علیهم السلام را نیز دارم و تنها جایی که تمرکز دارم اجرای جلسات مداحی و مناجات است. ممنون از شما و تیم المیزان

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال به این فکر کنید که راهی در پیش است.

بی‌آینده و بی‌یادی از گذشته، به کجا می‌توانیم بنگریم و در کجا می‌توانیم قرار گیریم؟ بی‌جهت در حال نفس کشیدیم و خود را از دست داده‌ایم و احساس می‌کنیم برای ابد از دست رفته‌ایم. کجاست زندگی؟ آیا نام این نفس‌کشیدن‌ها را می‌توان زندگی نامید یا باید به جهانی دیگر و تولدی دیگر فکر کرد که در آن، امیدی مانند امید حاج قاسم سلیمانی در آن باشد و فریب مدعیانی که گمان دارند انسان را می‌شناسند، نخورد؟

این انسان کوچک شده کجا می‌تواند به دنبال خود بگردد وقتی حتی خود را گم کرده، مگر آن‌که باز بزرگی از دست‌رفته خود را جستجو کند؟ به بزرگی سردار بدون مرز، بدون مرز، چه از نظر جغرافیا و چه از نظر قوم و قبیله. آیا او بزرگی همه انسان‌های این تاریخ نیست؟ وقتی حتی نه‌تنها در کنار مسیحیان عراق و سوریه گویا مسیحی است و گویا داعشی‌ها، کلیساهایی که مربوط به کیش اوست را خراب کرده‌اند، بلکه در کنار ایزدی‌های عراق نیز گویا در کیش ایزدی‌ها است تا به وسعت همه انسان‌ها به صحنه آید و از بی‌آیندگی و از بی‌یادی نسبت به گذشته عبور کند و با نظر به او جهانی و انسانی متولد شود که دیگر کوچک نیست، به کوچکی انسانی که در تاریخ مدرن می‌خواهد جهانی شود، ولی با

آرزوهای کوچک، کوچک و کوچک‌تر شد.

این حاج قاسم سلیمانی است که متذکر جلالت انسانی شد که مسیر جهانی‌شدن را گم کرده بود و بیشتر از همیشه آزمندی و طمع را جایگزین فضیلت و جهانی‌شدن کرد. او آمد تا همگی با هم سخن بگویند و تواضع به جای تکبر بنشیند و معلوم شود انقلاب اسلامی در این تاریخ، متذکر چه امری است؟ و چرا امام شهیدان دغدغه همه مستضعفان جهان را در سر می‌پروراندند؟

هرکس در امروز خود، حاج قاسم را درک کرد و وارد تاریخی شد که او در این تاریخ، بالیده است، امروز را روز پیروزی خود بداند زیرا این انسان در جان او و در دست‌ها و در پاهایش امید تازه‌ای روییده است، امید حاضرشدن در جهانی دیگر که بشر جدید در جستجوی آن بود ولی در یافتن آن ناکام ماند.

موفق باشید